ابوظبی در جست‌وجوی طلا سودان را به آتش کشیده است

جنگ پنهان امارات در سودان

سجاد عطازاده
مترجم

جان پندرگاست (فعال حقوق بشر آمریکایی) و آنتونی لیک (دیپلمات آمریکایی که در سوالی خود مشاور ارشد امنیت ملی ایالات متحده در دوران بیل کلینتون و دبیرکل اسبق یونیسف رانیر دارد) در مقاله «جنگ پنهان امارات متحده عربی در سودان، چگونه فشارهای بین‌المللی می‌تواند مانع نسل‌کشی شود» که در وب‌سایت فارن‌افیرز منتشر شده، ضمن بررسی فاجعه انسانی به وجود آمده در سودان بر اثر جنگ داخلی، علت اصلی این جنگ را امارات متحده عربی و منفعت عظیم آن از طلای سودان معرفی کرده و معتقد هستند برای توقف جنگ باید به ایجاد فشار مدنی بر ابوظبی دست زد.

در چهار ماه آینده، ۲٫۵ میلیون سودانی ممکن است براثر گرسنگی جان خود را از دست بدهند. این میزان دو برابر تعداد کسانی است که طی چهار سال رژیم پل پوت بر اثر گرسنگی جان باختند و ۲٫۵ برابر تعداد قربانیان قحطی سال‌های ۱۹۸۵-۱۹۸۳ در اتیوپی است که الهام‌بخش ضبط آهنگ خیریه «ما دنیاییم» شد (توضیح مترجم: آهنگی ساخته سال ۱۹۸۵ که با ۳۰ میلیون فروش یکی از پرفروش‌ترین تک‌آهنگ‌های جهان بوده و درآمد حاصل از فروش آن صرف قحطی‌زدگان آفریقا شده است). مارتین گریفیث، مقام ارشد حقوق بشر سازمان ملل متحد، اخیراً اظهار داشت: «فکر نمی‌کنم تا به حال چنین تعدادی در معرض خطر قحطی بوده باشند». گسترش شدید گورستان‌ها در منطقه دارفور سودان و خشونت‌های منتج به نسل‌کشی که ویژگی اصلی نبرد در شهرهای بزرگ سودان است، نوک کوهی از رنج بشری در این کشور است. حتی در مقایسه با جنگ‌های سایر مناطق جهان، هیچ مشابهی ازنظر شدت و دامنه درگیری با نبرد سودان وجود ندارد. از زمان آغاز جنگ داخلی در آوریل ۲۰۲۳، ده میلیون سودانی خانه‌های خود را ترک کرده‌اند. از هر هشت آواره داخلی در جهان، یک نفر سودانی است و کودکان بیش از هر جنگی دیگری از ذبیحا در سودان از خانه‌های خود آواره شده‌اند. بااین‌حال به نظر می‌رسد جهان چندان متوجه عذاب سودان و مردم آن نیست. کمک‌کنندگان تنها ۳۱ درصد از ۲٫۷ میلیارد دلاری که سازمان ملل برای سودان درخواست کرده را پرداخت کرده‌اند. کمبودی که بحران گرسنگی را تشدید می‌کند. البته گماگه دولت‌ها تحریم‌هایی را اعلام می‌کنند یا رهبران جهان و سازمان‌های بین‌المللی به اظهار نگرانی می‌پردازند اما در بیشتر موارد، اقدام معناداری برای جلوگیری از جنگ داخلی صورت نمی‌دهند. اما هیچ کشوری به‌اندازه کافی برای بازدادن به این رنج تلاش نمی‌کند، اما برخی از کشورها فعالانه به جنگ داخلی سودان دامن زده و از آن سود می‌برند. مصر، ایران و ترکیه از خارطوم حمایت نظامی می‌کنند؛ اما هم علی‌رغم شواهدی که نشان می‌دهد نیروهای مسلح سودان به بمباران کورکورانه و شکنجه پرداخته و از گرسنگی به عنوان سلاح جنگی استفاده می‌کنند، روسیه هم در ابتدا از نیروهای شبه‌نظامی موسوم به واکنش سریع (RSF)، طرف دیگر این درگیری که ریشه در شبه‌نظامیان جنجویید [توضیح مترجم: Janjaweed شبه‌نظامیان عرب‌زبان در منطقه دارفور در غرب سودان] دارند که دو دهه پیش در دارفور دست به نسل‌کشی زدند، حمایت می‌کرد اما مسکو اکنون با هر دو طرف بازی می‌کند؛ کما اینکه در ماه مه با رایتش سودان برای ایجاد یک پایگاه پشتیبانی لجستیکی روسیه در دریای سرخ در ازای ارائه تسلیحات و تجهیزات به توافق رسید. در همین حال، عربستان سعودی هم که پیوند های تاریخی با رهبری نیروهای مسلح سودان دارد، ماه‌ها تلاش کرد تا تلاش‌های جاری در راستای احیای مذاکرات صلح را که از اواخر سال ۲۰۲۳ متوقف شده، بود تضعیف کند و تنها در همین جولای گذشته بود که ایالات متحده توانست موافقت ریاض را برای ازسرگیری مذاکرات که در ماه اوت در ژنو انجام خواهد شد، جلب کند.

اما بازیگر خارجی که بیشترین مسئولیت را در قحطی و پاکسازی قومی دارد، امارات متحده عربی است. درحالی‌که نیروهای واکنش سریع علیه غیرنظامیان در دارفور و سایر مناطق دست به نسل‌کشی می‌زنند، ابوظبی آنها را به سلاح مجهز می‌کند. در همین حال، شرکت‌های بی‌وجدان نیز طلای سودان را به بازارهای امارتی قاچاق می‌کنند و به درگیری دامن می‌زنند. البته امارات متحده عربی توانسته از بند مجازات بگریزد؛ زیرا از نظر فنی، اهمیت راهبردی آن به‌عنوان یک ونزه تعادلی در برابر ایران و نقش آن در تلاش‌های دیپلماتیک برای پایان دادن به جنگ در نوار غزه، رهبران غربی را برای سخت گرفتن بیش از حد بر ابوظبی مردد کرده است.

با توجه به نقش بزرگ امارات متحده عربی در دامن زدن به بحران در سودان، ضروری است که بازیگران خارجی، رهبری این کشور را مجبور به تغییر مسیر کنند. حتی اگر ایالات متحده و شرکای آن همچنان تمایلی به انجام اقدامات جسورانه، مانند اعمال تحریم‌های شبکه‌ای گسترده یا سرمایه‌گذاری برای اعزام نیروهای حافظ صلح جدید به دارفور نداشته باشند، بازیگران دولتی و خصوصی می‌توانند از سایر نقاط نفوذ پر رهبری امارات (ازجمله، تجارت طلای استحصال‌شده از مناطق جنگی، منافع مالی این کشور در تیم‌ها و لیگ‌های ورزشی، خرید تسلیحات آمریکایی و اتکای آن به لابی‌های واشنگتن، استفاده کنند. اگر ابوظبی با فشار کافی مواجه شود ممکن است به این نتیجه برسد حمایتش از نیروهای واکنش سریع بیشتر از آنچه ارزشش را دارد، سبب دردسر می‌شود.

طلای استحصال‌شده ازمناطق جنگی

طلا محرک اصلی جنگ سودان است. نیروهای واکنش سریع بیشتر در تجارت طلا دخیل هستند اما هر دو طرف درگیری برای تامین نیازهای ماشین جنگی خود حجم زیادی از طلا را قاچاق کرده و می‌فروشند. در حال حاضر امارات از این تجارت به‌شدت سود می‌برد. آمار سال ۲۰۲۳ هنوز در دسترس نیست، اما در ۲۰۲۲، امارات ۳۹ تن طلا به ارزش نزدیک به ۲٫۱ میلیارد دلار از سودان وارد کرده و ارسال مستقیم طلای سودان به امارات هنوز هم ادامه دارد. بازیگران شرور همچنین طلای سودان را به چاد، مصر، اتیوپی، سودان جنوبی و اوگاندا قاچاق می‌کنند و بیشتر این طلاها هم نهایتاً از امارات سر درمی‌آورند. براساس داده‌های تجاری سازمان ملل، بیش از ۶۰ تن طلا از طریق این مسیرها در سال ۲۰۲۲ به امارات رسیده است. وزارت امور خارجه ایالات متحده در یک گزارش «مشاوره ریسک تجاری» در مه ۲۰۲۳ خاطرنشان کرد امارات «تقریباً تمام» طلای صادرشده از سودان را دریافت می‌کند.

امارات متحده عربی یک مرکز جهانی برای «طلاخونیی» و تاکنون بزرگ‌ترین مقصد طلای قاچاق شده از آفریقاست. گزارش اخیر سازمان عفو بین‌الملل سوئیسی (Swissaid) تخمین زده که در سال ۲۰۲۲، ۲۰۵ تن طلا از کشورهای آفریقای زیر صحرا به امارات متحده عربی قاچاق شده است؛ آماری که این کشور را به بزرگ‌ترین واردکننده طلای غیرقانونی از آفریقا در آن سال تبدیل می‌کند. اما در سوی مقابل مهم‌ترین دلایل عدم ایجاد و رشد اندیشکده‌ها در برخی کشورها و مناطق جهان را می‌توان ناشی از «عدم درک و اقدام شدیدتر علیه تجارت غیرقانونی طلا: انتفاع امارات و شرکت‌های امارتی را از جنگ دشوارتر می‌کند. انجمن بازار شمش لندن باید درکنار تعداد زیادی از دولت‌ها امارات متحده عربی را وادار سازند تا اجازه ندهند مسئلهٔ بر سوق‌های طلای خود را بدهد. شبیه به ماموریت‌های بازرسی مستقلی که تجارت «الماس‌های خونین» را در آنجه به‌عنوان «طرح صدور گواهینامه فرآیند کیمبرلی» شناخته می‌شود، مختل می‌کند. بدون نظارت مستقل بر بازارهای طلا، اصلاحات محلی کمک چندانی به توقف تجارت طلای استحصال‌شده از مناطق جنگی نخواهد کرد. درنهایت، ایالات متحده و اتحادیه اروپا باید شرکت‌هایی را که طلای استحصال‌شده از مناطق جنگی سودان را خرید و فروش می‌کنند، تحریم کنند. در ژوئن، وزارت خزانه‌داری ایالات متحده «دسترسی هفت شرکت امارتی را به نظام مالی ایالات متحده به اتهام نقض تحریم‌های ایالات متحده علیه سودان مسدود کرد. این حرکت، اقدام خوبی به شمار می‌رود اما برای تغییر تفکر رهبران امارتی، ایالات متحده و اتحادیه اروپا باید تحریم‌های موجود را تشدید کنند و کل شبکه شرکت‌ها و افرادی را در امارات که در قاچاق طلاز سودان دخیل هستند، مورد هدف قرار دهند. از آنجایی که مالکان، اغلب نام شرکت‌ها را تغییر می‌دهند و از مدیران شرکت‌های جعلی برای نمایندگی افراد واقعی استفاده می‌کنند، تحریم‌ها باید گسترده باشند.

بازیگری نفریه نفر

ایجاد اختلال در تجارت طلای استحصال‌شده از مناطق جنگی در سودان می‌تواند راهی مؤثر برای بازیگران خارجی باشد تا امارات متحده عربی را از حمایت نیروهای واکنش سریع دور کنند اما این اقدام تنها روش در اختیار آنها نیست. مشابه عربستان سعودی، دولت امارات متحده عربی هم سرمایه‌گذاری هنگفتی روی «ورزش شویی» [توضیح مترجم: «تندپول شویی» انجام داده است تا شهرت خود را با تامین مالی مستقیم یا از طریق شرکت‌های تابع‌شان و لیگ‌ها و گروه‌های ورزشی سراسر جهان صیقل دهد. برخی از بزرگ‌ترین باشگاه‌های فوتبال اروپا مانند میلان، آرسنال، منچستریونایتد و رئال مادرید از پشتیبانی امارتی‌ها برخوردار هستند. این واقعیت درباره فرمول یک (لیگ بین‌المللی اتومبیل‌رانی)، پیس‌بال یونایتد (لیگ پیس‌بال مستقر در دبی که گروه مالکیت آن شامل بازیکنان سابق لیگ برتر پیس‌بال ایالات متحده) و تعدادی از سازمان‌های ورزشی مستقر در آمریکا، ازجمله انجمن ملی بسکتبال (NBA)، مسابقات قهرمانی مبارزه نهایی [توضیح مترجم: بوکس ملی، بزرگ‌ترین سازمان برگزارکننده مسابقات هنرهای رزمی ترکیبی] و مسابقات قهرمانی تنیس آزاد ایالات متحده صدق می‌کند. طرفداران ورزشی به‌دوستی از اینکه متوجه شوند حامیان مالی ورزشکاران مورد علاقه آنها از خشونت و نسل‌کشی حمایت می‌کنند، ناامید خواهند شد. اگر حتی تعداد کمی از گروه‌های ورزشی، لیگ‌ها، بازیکنان و هواداران ورزشی از رسانه‌های اجتماعی برای انتقاد از مداخله امارات در بحران سودان استفاده کنند، ثمربخشی عمومی می‌تواند ابوظبی را به تجدیدنظر در سیاست‌های خود وادارد.

ایالات متحده همچنین باید درباره میلیاردها دلار تسلیحاتی که سالانه به امارات می‌فروشد، تجدیدنظر کند. اعضای کنگره و گروه‌های جامعه مدنی، مانند عفو بین‌الملل و دیده‌بان حقوق بشر، هشدارهایی را درباره تجهیز نیروهای واکنش سریع سودان توسط امارات متحده عربی داده و از کشورهایی که به امارات تسلیحات ارائه می‌کنند، خواسته‌اند تا دقت لازم را برای اینکه تسلیحات فروخته شده از سوی آنان از دارفور سر درنیاورد، داشته باشند. سارا جیکوبز، نماینده دموکرات کالیفرنیا و عضو بلندمرتبه کمیته فرعی آفریقا در کمیته امور خارجی مجلس نمایندگان، در ماه می ۲۰۲۴ لایحه‌ای را ارائه کرد که به موجب آن فروش تسلیحات ایالات متحده به امارات تا زمانی که رئیس جمهور آمریکا تایید کند که ابوظبی تسلیح نیروهای واکنش سریع سودان را متوقف کرده است، ممنوع می‌شود. این ممنوعیت مشمول بر فروش دولتی و خصوصی سلاح از سوی آمریکا به امارات بوده و شامل سلاح گرم، توپخانه، مهمات، موشک، بمب، مواد منفجره، خودروهای نظامی و هواپیما و سایر انواع تجهیزات می‌شود. اگر حمایت لازم در پشت این لایحه ایجاد شود، این سیگنال که واشنگتن مساله سودان را در اولویت قرار می‌دهد، می‌تواند هشدار مفیدی برای امارات باشد.

درنهایت، نمایندگان کنگره، روزنامه‌نگاران و حامیان حقوق بشر باید شرکت‌های آمریکایی را که ابوظبی برای تاثیرگذاری بر سیاست ایالات متحده و شکل‌دهی افکار عمومی این کشور در راستای میل خود استخدام کرده، مورد انتقاد قرار دهند. به‌عنوان مثال، گروه مشاوره راهبردی FGS Global دو قرارداد با دولت امارات به مبلغ ۵٫۶ میلیون دلار به اضافه هزینه‌ها برای سال‌های ۲۰۲۵ - ۲۰۲۴ دارد. شرکت Akin Gump Strauss Hauer & Feld هم که یک شرکت حقوقی برجسته و مستقر در واشنگتن است با یک شرکت لابی مستقر در دی سی برای ارائه مشاوره به امارات متحده عربی در حوزه فروش تسلیحات نظامی در سال ۲۰۲۳ یک قرارداد فرعی منعقد کرده و خود نیز ۳٫۸ میلیون دلار از امارات در مدت شش ماه در همان سال دریافت کرده است. تا زمانی که امارات متحده عربی به نیروهای واکنش سریع کمک می‌کند، لابی‌گران مستقر در واشنگتن و شرکت‌های حقوقی هم که برای دولت امارات کار می‌کنند، به شکل‌گیری جنایات می‌زنند.

فشار را افزایش دهید

نزدیک به دو دهه پیش، در بحبوحه نسل‌کشی دارفور، اتئالف فعال جهانی «نجات دارفور»، هدف خود را روی تاثیرگذاری بر چین که در آن زمان بزرگ‌ترین سرمایه‌گذار در سودان بود، معطوف کرد. نجات دارفور چین را به نادیده گرفتن جنایات رخ داده در دارفور متهم کرد و کمپینی را در انتقاد از عدم اقدام پکن درحالی‌که این کشور آماده میزبانی بازی‌های المپیک ۲۰۰۸ بود، راه‌اندازی نمود. در اوایل فوریه ۲۰۰۸، استیون اسپیلبرگ که به عنوان کارگردان هنری مراسم افتتاحیه و اختتامیه بازی‌ها استخدام شده بود، در اعتراض به ارتباط چین با این نسل‌کشی استعفا داد. نهایتاً فرایش محکومیت‌های بین‌المللی تاثیر خود را داشت. در اواخر فوریه، پکن به گروه بین‌المللی پیوست که بر خارطوم فشار می‌آورد تا اجازه ورود کمک‌های بشردوستانه را به اردوگاه‌های غیرنظامیان آواره داخلی صادر کند؛ کمک‌هایی که می‌توانست از مرگ صدها هزار نفر بر اثر گرسنگی جلوگیری کند.

همان طور که مورد اسپیلبرگ نشان داد، فشار از سمت منابع غیرمنتظره می‌تواند تاثیرگذار باشد. امروز، گروه‌های ذی‌نفوذ، شرکت‌ها، گروه‌های ورزشی، ورزشکاران، سیاستگذاران و هرکسی که دارای سکویی (Platform) عمومی است باید از همه ابزارهای موجود برای جلوگیری از تشدید قحطی و نسل‌کشی استفاده کنند. امارات متحده عربی عمیقاً با نیروهای پشتیبانی سریع مرتبط بوده و مسئولیت سنگینی نیز در قبال این بحران برعهده دارد اما این واقعیت بدان معنا است که اهرم بسیار زیادی نیز در اختیار دارد تا به تصمیمات نیروهای واکنش سریع شکل دهد. البته اگر وادار به استفاده از این ابزارهای فشار شود. از سوی دیگر، مصر و عربستان سعودی که روی نیروهای مسلح سودان نفوذ دارند، می‌توانند برای برقراری آتش‌بس و پایان دادن به ممانعت این نیروها برای ورود کمک‌های حیاتی نقش‌آفرینی کنند. بدون فشار بیشتر بر طرف‌های متخاصم و منتفعان منطقه‌ای آنها، بحران انسانی وخیم در سودان بدتر خواهد شد. برای اینکه کسب‌وکارها، گروه‌های ورزشی و دولت‌ها اصول را بر سود یا فرصت‌طلبی مقدم بدانند، ضرورتی ندارد که تصاویر نوزادان گرسنه مرگ‌ومیر رسانه‌ای شود.

اندیشکده‌ها درباره پزشکیان چه گفتند

محمدعلی رحیمی‌نژاد
پژوهشگر مسائل بین‌الملل

اگر اندیشکده‌ها و اتاق‌های فکر را نقطه شروع تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی بدانیم، آنگاه اهمیت آنها برای ما بیش از پیش خواهد بود؛ مجموعه‌هایی که با حداقل سوگیری سیاسی به دنبال تحقق منافع ملی کشورها در زمینه‌ها و موضوعات مختلف هستند. اندیشکده‌ها و دانشمندان هستند که به موضوعات و مسائل جهان امروز شکل می‌دهند و خروجی کار آنها به عنوان «سیاست اجرایی» در اختیار سیاستمداران قرار می‌گیرد. از همین روست که در حال حاضر آمریکا، چین، هند و روسیه بیشترین اتاق‌های فکر را اداره کرده‌اند.

شاید یکی از مهم‌ترین دلایل وجود بحران‌های فراگیر و عدم رشد معنادار در جهان، عدم استفاده از نظرات اندیشکده‌ها و اندیشمندان باشد. روند تحقق سیاست‌ها در کشورهای توسعه‌یافته عمدتاً بر محور اندیشکده‌ها بوده و سپس توسط مقامات سیاسی اجرا و توسط رسانه‌ها تبیین می‌شود. در کشورهای عقب‌مانده روند فوق معمولاً توسط افراد صاحب قدرت گرفته می‌شود و سپس رسانه‌ها و اندیشکده‌ها مامور به دفاع از سیاست فرد یا گروه خاص در جامعه می‌شوند و روند عقلایی را طی نمی‌کند.

طبق بررسی دانشگاه پنسیلوانیا در سال ۲۰۲۰، دو هزار و ۴۳ اتاق فکر در آمریکا وجود داشته است. براساس همین بررسی، ۴۷ درصد از مجموع اندیشکده‌های دنیا در آمریکای شمالی و اروپا بوده‌اند. اگرچه قاره آسیا و آفریقا همچنان روند بهبود تعداد اندیشکده‌ها را طی می‌کند اما عمدتاً بودجه آنها وابسته به دولت است. طبق این گزارش دلایل گسترش اندیشکده‌ها در جهان به «انقلاب اطلاعات و فناوری»، پایان انحصار دولت‌های ملی بر اطلاعات، افزایش پیچیدگی و ماهیت فنی مشکلات خط مشی، افزایش اندازه دولت، بحران اعتماد به دولت‌ها و منتخبان، جهانی شدن و رشد بازیگران دولتی و غیردولتی، نیاز به اطلاعات و تحلیل به موقع و مختصر در شکل درست، در دسته‌ها و زمان مناسب، مربوط است. در تصویر شماره یک، توزیع جغرافیایی اتاق‌های فکر در جهان تا سال ۲۰۲۰ را مشاهده می‌کنید.

اما در سوی مقابل مهم‌ترین دلایل عدم ایجاد و رشد اندیشکده‌ها در برخی کشورها و مناطق جهان را می‌توان ناشی از «عدم درک و پاسخگویی به منابع غیرسنتی رقابت، عدم اتخاذ فناوری‌های جدید و استراتژی‌های بازاریابی و ارتباطات، محیط سیاسی و نظارتی به‌طور فزاینده‌ای با اتاق‌های فکر دشمنی می‌کند، کاهش بودجه برای تحقیقات سیاسی توسط کمک‌کنندگان دولتی و خصوصی، تمایل حامیان دولتی و خصوصی به سوی کمک‌های مالی کوتاه‌مدت و خاص پروژه به جای سرمایه‌گذاری روی ایده‌ها و نهادها، ظرفیت نهادی توسعه‌نیافته و ناتوانی در سازگاری با تغییرات و افزایش رقابت از سوی سازمان‌ها و نهادهای دولتی و خصوصی» خواند. در ایران، طی سال‌های اخیر، اندیشکده‌ها و خروجی‌های آن اهمیت بیشتری پیدا کرده‌اند. تا سال ۱۴۰۱ ایران با ۸۷ اندیشکده، در جایگاه بیست و یکم قرار داشته است (جدول شماره ۱).

برای ارزیابی اندیشکده‌ها معیارهای مختلفی ازجمله توانمندی در جذب دانشمندان، تاثیرگذاری بر سیاست‌های دولت، کیفیت و شهرت کارکنان و... مطرح شده است. شاید به همین دلیل و دلایلی دیگر مانند تجربه و سابقه باشد که اندیشکده‌های برتر جهان اندیشکده‌های آمریکایی هستند. اندیشکده‌هایی که سرفصل کارکرد خود را منافع ملی تعریف کرده و سعی بر کمک به سیاسیون خود فارغ از جنبه‌های تمایلات سیاسی خود داشته‌اند.

عملکرد اندیشکده‌ها معمولاً به‌روز نبوده و مانند رسانه‌ها سریعا گزارش‌های خود را منتشر نمی‌کنند؛ علت این موضوع نیاز آنها به انجام کار عمیق آن هم توسط افراد خبره و متخصص در موضوعات مورد نظر است. از همین رو در گزارشات اندیشکده‌ای معمولاً رفرس‌های زیادی وجود دارد و تنها در جمع‌بندی، تحلیل پژوهشگران ارائه می‌شود. نکته مهم این است که مطالب اندیشکده‌ها و راهکارهای آنها تا زمانی که مورد استفاده سیاستمداران قرار می‌گیرد، منتشر نمی‌شود و بعد از استفاده به‌عنوان اقدامات انجام‌گرفته منتشر می‌شوند.

در ادامه به معرفی یکی از اندیشکده‌های جهان و مطالب مهم‌ترین اندیشکده‌های جهان درباره مسائل ایران پرداخته شده است. در هفته نخست پس از پیروزی مسعود پزشکیان در انتخابات ریاست جمهوری، اندیشکده‌های جهان، دو موضوع را پررنگ‌تر دنبال می‌کردند؛ ۱-روی کار آمدن پزشکیان در ایران و ۲-کنار رفتن بایدن از انتخابات آمریکا.

درباره موضوع اول یعنی به قدرت رسیدن پزشکیان در ایران، اندیشکده‌های چتم هوس، بنیاد دفاع از دموکراسی و شورای روابط خارجی آمریکا به ارائه تحلیل پرداخته‌اند.

چتم هوس (chathamhouse) در گزارشی با عنوان «تغییر بدون تکان دادن قایق»، به موارد زیر پرداخته است:

۱ کمپین پزشکیان در دور دوم به دنبال متقاعد کردن جوانان و ناامیدانی بود که دور اول را تحریم کردند، اما نتایج نشان‌دهنده بی‌تفاوتی و نارضایتی مردم است.

۲ کسانی که طرفدار برخی تغییرات بودند، توانستند بر کسانی که وضعیت موجود را تایید می‌کردند، غلبه کنند.

۳ سوابق و اظهارات پزشکیان در جریان مبارزات انتخاباتی حاکی از آن است که در عین حال که او تغییرات را هدف قرار خواهد داد؛ تلاشی برای تکان دادن کشتی حکومت نخواهد داشت.

۴ در سیاست خارجی، کارزار پزشکیان بر لزوم تعامل با غرب از جمله در موضوع هسته‌ای، رفع تحریم‌ها و بهبود شرایط اقتصادی کشور و همچنین دور شدن از آستانه جنگ منطقه‌ای متمرکز بود.

۵ پزشکیان همچنین از نزدیک شدن رئیسی به کشورهای عربی تمجید کرد و نشان داد که در مسائلی غیر از روابط با غرب، احتمالاً به‌طور گسترده سیاست دولت قبلی را ادامه خواهد داد.

این گزارش دربردارنده تداوم نظم و ساختار حاکمیتی ایران بوده و این موضوعی است که برخلاف تلاش‌های غرب در این زمینه است. بنیاد دفاع از دموکراسی که وزارت خارجه ایران در سال ۹۸ آن را به دلیل اقداماتی همچون تولید و انتشار دروغ، تشویق، مشورت، لابیگری و کارزار تبلیغاتی منفی به نحوی مؤثر در طراحی، اعمال و تشدید اثرات تروریسم اقتصادی علیه کشورمان، در لیست تحریمی خود قرار داد نیز در گزارشی با عنوان «آینده روابط ایران و گروه‌های مقاومت» در دوره پزشکیان نوشته است:

۱ کسانی که پزشکیان را یک لیبرال، میانه رو یا اصلاح‌طلب معرفی می‌کنند، یا احمق‌های نادان هستند یا به عنوان عوامل روابط عمومی حکومت عمل می‌کنند.

۲ پزشکیان در حالی حمایت خود از محور مقاومت را اعلام کرده که طی روزهای اخیر حملات راکتی و پهپادی حزب‌الله متجر به خروج ۶۰ هزار نفر از مناطق شمالی رژیم‌صهیونیستی شده است.

این اندیشکده در گزارشی دیگر نوشته است: «برخی معتقدند پزشکیان باعث تضعیف ایران می‌شود و دائماً با حاکمیت تنش خواهد داشت. این موضوع کاملاً اشتباه است. هم‌اکنون جمهوری اسلامی قدرتمندتر از قبل از انتخابات است.» نویسنده این موسسه معتقد است «در سال‌های پیشرو ایران از یک رئیس‌جمهور پزشک سود بیشتری خواهد برد تا اینکه یک رئیس‌جمهور تندرو داشته باشد. البته باید توجه داشت که ایجاد ادبیات تندرو و افراطی ادبیاتی در راستای تحقق منافع غرب در دولت روحانی بود.» در واقع این اندیشکده معتقد است «با به قدرت رسیدن پزشکیان قرار نیست ایران دچار جنگ داخلی مورد انتظار برخی گروه‌ها گردد.»

اندیشکده شورای روابط خارجی آمریکا نیز در گزارشی با عنوان «تغییرات جدید در ایران» نوشت: «انتخاب پزشکیان این گمانه‌زنی را برانگیخته است که ایران مذاکرات جدیدی را بر سر برنامه هسته‌ای خود و کاهش تنش‌ها با ایالات متحده دنبال خواهد کرد. مخالفت با اسرائیل همچنان نقطه اجماع در داخل ایران است و پزشکیان هیچ حرکتی در مسیر مبارزات انتخاباتی انجام نداد تا تغییری در این موضع نشان دهد. به هر حال «محور مقاومت» هسته اصلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی و حزب‌الله قوی‌ترین وابسته به آن است.»

نکته اصلی در تحلیل اندیشکده‌های غربی از انتخابات ایران و به قدرت رسیدن پزشکیان، عدم تفاوت میان او و دیگر کاندیداهاست. به عبارتی دیگر برای مراکز فکری غرب تفاوت معناداری میان پزشکیان و دیگر رقبایش در انتخابات وجود نداشته و علت آن نیز به اعتقاد آنها قدرت رهبری از یک سو و ناتوانی کاندیداها در ایجاد دوستی مورد نظر غرب می‌باشد؛ دوستی مدنظر غرب هم‌راهی ایران با نظم مد نظر آنها در غرب آسیا و بازگشت منافع از دست رفته غرب در منطقه است.

توزیع جغرافیایی اتاق‌های فکر در جهان تا سال ۲۰۲۰

REGION	NUMBER OF THINK TANKS
EUROPE	2932
NORTH AMERICA	2397
ASIA	3389
SOUTH & CENTRAL AMERICA	1179
SUB-SAHARAN AFRICA	679
MIDDLE EAST & NORTH AFRICA	599
TOTAL	11175

جدول شماره ۱

تعداد اندیشکده‌ها در کشورهای مختلف

RANK	COUNTRY	NUMBER OF THINK TANKS
1	United States	2203
2	China	1413
3	India	612
4	United Kingdom	515
5	South Korea	412
6	France	275
7	Germany	266
8	Argentina	262
9	Brazil	190
10	Viet Nam	180
11	Italy	153
12	Russia	143
13	Japan	137
14	Mexico	109
15	South Africa	102
16	Sweden	101
17	Spain	95
18	Switzerland	93
19	Ukraine	90
19	Colombia	90
21	Iran	87
22	Austria	86
23	Belgium	85
23	Netherlands	85
23	Canada	85

ادامه در صفحه ۱۵

آمریکا آزمایش تسلیحات هسته‌ای را از سر می‌گیرد؟

سجاد عطازاده
مترجم

جفری لوئیس، استاد علوم سیاسی در انستیتو میدل‌بری مونتری ایالات متحده آمریکا، در مقاله «چرا آمریکا در صورت از سرگیری آزمایش‌های هسته‌ای شکست می‌خورد؟ چین و روسیه با آخرمنی توانند به واشنگتن بپیوندند» که در وب‌سایت فارن‌افیرز منتشر شده، معتقد است پیشنهادهای اخیر مطرح شده از سوی نزدیک‌ترین دوستان ترامپ برای ازسرگیری آزمایش تسلیحات هسته‌ای از سوی ایالات متحده برای واشنگتن بسیار مضر خواهد بود؛ زیرا به ایجاد فضای مناسب برای انجام آزمایش تسلیحات هسته‌ای از سوی مسکو و پکن، زمینه چیزن عقب‌ماندگی آنان در عرصه هسته‌ای از آمریکا را ایجاد خواهد کرد.

نزدیکان دونالد ترامپ، رئیس جمهور سابق ایالات متحده که در بین آنان کسانی که احتمالاً در دولت دوم او هم خواهند بود وجود دارند، دیواره اینه غیرمفید ازسرگیری آزمایش تسلیحات هسته‌ای از سوی ایالات متحده را مطرح کرده‌اند. به گزارش واشنگتن پست اگرچه دولت ترامپ آزمایش هسته‌ای انجام نداد، اما مقامات ارشد امنیت ملی آ دوره این ایده را در می ۲۰۲۰ بررسی کردند. اگر دولت ترامپ این ایده را اجرایی می‌کرد، اولین آزمایش هسته‌ای ایالات متحده از سال ۱۹۹۲ رقم می‌داد و احتمالاً سایر کشورها نیز به انجام این کار تشویق می‌شدند. اما این ایده اصلاً از بین نرفته است و حتی نزدیک به نایودی نیز نیست. رابرت اوبرایین، مشاور امنیت ملی ترامپ از ۱۹ تا ۲۶ ژانویه ۲۰۲۱، در مقاله‌ای در فارن افیرز این پیشنهاد شگفت‌انگیز را مطرح کرد که ایالات متحده باید آزمایش تسلیحات هسته‌ای را در زیر صحرای نوادا از سر بگیرد. او نوشت: «ایالات متحده باید برتری فنی و کمی خود را نسبت به مجموع ذخایر هسته‌ای چین و روسیه حفظ کند. برای انجام این کار، واشنگتن باید سلاح‌های هسته‌ای جدیدی را برای سنجیدن قابلیت اطمینان و ایمنی آنها برای اولین بار از سال ۱۹۹۲ در دنیای واقعی - و نه فقط با استفاده از مدل‌های رایانه‌ای - آزمایش کند.» ایالات متحده بیش از ۳۰ سال است که آزمایش هسته‌ای انجام نداده است. این وضعیت درباره روسیه و چین نیز صدق می‌کند. ایالات متحده، روسیه و چین در زوجه ۱۸۷ کشوری هستند که معاهده منع جامع آزمایش‌های هسته‌ای (CTBT)، را در سال ۱۹۹۶ امضا کرده‌اند؛ معاهده‌ای که هرگونه آزمایش تسلیحات هسته‌ای، صرف‌نظر از حجم آن را ممنوع می‌کند. این معاهده از سوی «سازمان معاهده منع جامع آزمایش‌های هسته‌ای» اجرایی می‌شود که دارای یک سامانه نظارت بین‌المللی گسترده و متشکل از ایستگاه‌های لرزه‌ای، هادوی صوت، هیدرو آکوستیک و رادیونوکلئید است. به لطف این معاهده، یک هنجار قوی بین‌المللی علیه آزمایش‌های هسته‌ای شکل گرفته است؛ به‌گونه‌ای که از زمان آزمایش‌های هسته‌ای هند و پاکستان در سال ۱۹۹۸، هیچ کشور دیگری به استثنای کره شمالی دست به چنین آزمایشی نزده است. بااین‌حال خود این معاهده هرگز به صورت لازم‌الاجرا درنیامده است. اگرچه ایالات متحده آن را در سال ۱۹۹۶ امضا کرد، اما جمهوری خواهان در سنا به تصویب آن رأی منفی دادند. چین نیز که آن را امضا کرده است، تصویب آن را به اقدام مشابه ایالات متحده موکول کرده است. روسیه هم که این معاهده را در سال ۲۰۰۰ تصویب کرد، در نوامبر ۲۰۲۳ تایید خود را پس گرفت. پس پیشنهاد اوبرایین در زمانی ناخوشایند مطرح شده است؛ زمانی که پرسش‌هایی جدی درباره ازسرگیری آزمایش تسلیحات هسته‌ای از سوی روسیه وجود دارد. روسیه، چین و ایالات متحده همگی سایت‌های آزمایش تسلیحات هسته‌ای خود را در یک وضعیت حداقل تا حدی آماده نگه داشته‌اند. تصاویر ماهواره‌ای حاکی از وجود ساختمان‌های جدید، فعالیت در تونل‌ها و جریان ثابتی از ورود افراد و تجهیزات به هر سه سایت است. مشکل بزرگ احتمال ازسرگیری آزمایش تسلیحات هسته‌ای از سوی یکی از سه قدرت بزرگ مذکور است. هنگامی که کشوری دست به این کار بزند، احتمالاً دو کشور دیگر نیز این کار را انجام خواهند داد و شک نکنید که ازسرگیری آزمایش سلاح‌های هسته‌ای برای ایالات متحده نامطلوب خواهد بود.

رقابت

ایالات متحده با ۱۱۲۹ آزمایش هسته‌ای بیش از مجموع آزمایش‌های هسته‌ای روسیه (۶۹۶) و چین (۹۵) دست به این کار زده است. البته واشنگتن علی‌رغم این حجم بالای آزمایش تسلیحات هسته‌ای، به‌ندرت سلاحی را از ذخایر خود برای آزمایش در صحرا خارج کرده است؛ تنها در دهه اخیر و حوالی آن بود که ایالات متحده دست به خارج کردن تسلیحات هسته‌ای خود از ذخایر هسته‌ای برای انجام آزمایش هسته‌ای زد. به علاوه باید در نظر داشت که یک آزمایش هسته‌ای منفرد سبب ایجاد پایایی آماری برای اطمینان از نحوه کار مطلوب یک سلاح نمی‌شود. بهترین توصیف برای نتیجه این انواع آزمایش‌ها «اعتماد» است؛ این حس که هر چیزه شکلی که باید عمل می‌کند. اعتماد به مدل‌های رایانه‌ای، اف